

با انتقال یارانه ترجیحی به انتهای زنجیره و حرکت به سمت مدیریت بازار ارز انجام می گیرد

آغاز پایان امضاهای طلایی و نااطمینانی فضای کسب و کار

محمد بیات، نماینده مجلس شورای اسلامی و حمید مهدویان پور، کارشناس حوزه پولی و بانکی در گفت و گو با «جوان» ابعاد حذف ارز ترجیحی از ابتدای زنجیره

و انتقال آن به انتهای زنجیره یعنی پرداخت یارانه مستقیم به مصرف کنندگان و همچنین چشم انداز این سیاست را تشریح کردند



محمد مهدی صافی | جوان

کلیدی ترین اثر حذف ارز چندنرخی، از بین بردن امضاهای طلایی برای تخصیص ارز ارزان قیمت واردات و همچنین ایجاد فضای پیش بینی پذیر و قابل رقابت پیش روی تولید است که منجر به رشد تولید خواهد شد. در نظام ارز چندنرخی، صف تخصیص ارز واردات به دلیل مزیت کاذب حاصل از اعطای ارز چندنرخی و ارزان قیمت برای واردات کالاها تشدید می‌شد و اینجا امضاهای طلایی شکل می‌گرفت و ارز چندنرخی به رانت برای عده‌ای خاص و عامل بی‌ثبات کننده برای تولید تبدیل شده بود.

■ ■ ■

حذف ارز ترجیحی یکی از مهم ترین اقدامات اقتصادی دولت چهاردهم به شمار می‌رود که در راستای از بین بردن بستر فساد و رانت و افزایش رقابت پذیری در اقتصاد به اجرا گذاشته شده است. قبلاً یارانه اقلام اساسی و مورد نیاز مردم در قالب ارز ترجیحی در اختیار وارد کنندگان قرار می‌گرفت. بر این اساس، قرار بود اقلام مورد نیاز با قیمت پایین وارد کشور شود و با قیمت مناسب در اختیار مردم قرار گیرد، اما در عمل این طور نشد و زمینه برای ویژه خواری و فساد ایجاد شد. یکی از عمیق ترین آسیب‌های ارز چندنرخی، ایجاد نابرابری ساختاری بین بازیگران اقتصادی است. در این سیستم، وارد کنندگان خاصی که به ارز ارزان قیمت در نظام ارز چندنرخی دسترسی داشتند، کالاها را با قیمتی بسیار پایین‌تر از ارزش واقعی ارز وارد می‌کردند. این اختلاف عظیم بین هزینه عرضه واقعی کالای وارداتی در بازار و قیمت مصوب، یک فرصت آربیتراژ ایجاد می‌کرد که سود کلان آن مستقیماً به جیب عده‌ای محدود می‌رفت که امکان اخذ این رانت را داشتند.

■ **امضای طلایی مدیران دولتی و عدم تففع فعالان واقعی اقتصاد**

در سبوی دیگر ماجرا، تولید کنندگان و فعالان واقعی اقتصاد قرار داشتند که فاقد چنین امتیازاتی بودند. آنها مجبور بودند مواد اولیه و نیازهای خود را از بازار آزاد با قیمت‌های واقعی تأمین کنند. این تبعیض آشکار، تولید کننده داخلی را در برابر رقیب وارداتی که از یارانه پنهان برخوردار بود، بی‌دفاع می‌کرد و انگیزه

در از مدت قطعاً حذف ارز ترجیحی به نفع اقتصاد ملی است. ■ **ایجاد بستر رقابتی سالم و کاهش پیش‌بینی ناپذیری در اقتصاد** محمد بیات، نماینده مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به این موضوع که نیاز مدام اعمال سیاست‌های دقیق اقتصادی در کشور هستیم تا بتوانیم به ساماندهی امور بپردازیم، تصریح کرد: «یکی از مهم‌ترین مسائلی بر حذف ارز ترجیحی یک کار بزرگ با تبعات اقتصادی گسترده است. این امکان وجود دارد که در کوتاه‌مدت شاهد افزایش قیمت کالاهای اساسی باشیم که باید از طریق حمایت‌های دولتی و همراهی مردم از این دوران گذر کنیم.

بسیاری بر این عقیده‌اند که اقدام دولت مبنی بر حذف ارز ترجیحی یک کار بزرگ با تبعات اقتصادی گسترده است. این امکان وجود دارد که در کوتاه‌مدت شاهد افزایش قیمت کالاهای اساسی باشیم که باید از طریق حمایت‌های دولتی و همراهی مردم از این دوران گذر کنیم.

این وضعیت نشان می‌داد یارانه به جامعه هدف اصابت نمی‌کند.» وی ادامه داد: «به منظور حل مشکلاتی که توضیح داده شد، پیشنهاد حذف ارز ترجیحی و انتقال یارانه از ابتدا به انتهای زنجیره مطرح شد. در همین راستا دولت تصمیم به اجرای این طرح گرفت و منافع حاصل از آن در قالب کالا برگ در اختیار مردم قرار می‌گیرد.» این نماینده مجلس خاطر نشان کرد: «حذف ارز ترجیحی موجب می‌شود همگان فرصت برابری برای فعالیت اقتصادی پیدا کنند و شرایط رقابت سالم در فضای اقتصادی کشور شکل گیرد.» وی افزود: «شاید در کوتاه‌مدت با افزایش قیمت کالاهای اساسی روبه‌رو شویم که دولت به طرق مختلف مانند کالا برگ از افشار مختلف جامعه

حمایت به عمل می‌آورد، اما در درازمدت حذف ارز ترجیحی به نفع فضای اقتصادی کشور است.» بیات گفت: «در شرایطی که ارز ترجیحی اختصاص داده می‌شد، تنها عده اندکی از آن بهره می‌بردند و از سودهای کلان استفاده می‌کردند. اما در روش فعلی، یارانه مستقیماً به دست مردم می‌رسد و زمینه سوء استفاده از بین می‌رود.» وی ادامه داد: «حذف ارز ترجیحی کسری بودجه جدیدی را بر دولت تحمیل نمی‌کند. اعتبار لازم برای اعطای یارانه مستقیم به مصرف کننده نهایی از محل منابع حاصل از حذف ارز ترجیحی تأمین می‌شود.»

بررسی آخرین آمار آژانس بین‌المللی انرژی

مصرف سرانه انرژی ایران ۲ برابر میانگین جهانی است

مصرف بالا و قیمت‌گذاری نامناسب مسئله اصلی در حوزه انرژی است که موجب شده است سرانه مصرف انرژی در ایران حدوداً ۲ برابر میانگین جهانی باشد

بر اساس آخرین آمار آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، میانگین سرانه مصرف برق در دنیا حدود ۲هزار ۴۲۷ کیلووات ساعت است. در ایران نیز گاز مصرف برق بر جمعیت تقسیم شود، این رقم به حدود ۳ هزار و ۷۰۵ کیلووات ساعت می‌رسد که حدود میانگین جهانی است.

■ ■ ■

در ایران هم‌زمان از دو حامل اصلی انرژی یعنی برق و گاز استفاده می‌شود و همین موضوع، مقایسه صرف مصرف برق را تا حدی محدود می‌کند. به عنوان مثال، اگر تنها مصرف برق در بخش خانگی را مبنا قرار دهیم، سرانه مصرف هر نفر حدود هزار و ۱۵۵ کیلووات ساعت خواهد بود. این رقم در کشورهایی مانند مصر حدود ۶۲۰ و در امارات ۴هزار و ۴۰۲ کیلووات ساعت است. با این حال، برای ارزیابی دقیق‌تر، باید مجموع مصرف برق و گاز را هم‌زمان بررسی کرد. با در نظر گرفتن گاز مصرفی برای تولید برق و تبدیل آن به معادل انرژی می‌توان گفت هر ایرانی سالانه حدود ۷/۳۰ گیگاژول انرژی (مجموع برق و گاز مصرف می‌کند. این عدد در کشور مصر حدود ۷/۴ گیگاژول است. همچنین در کشور امارات، با وجود مصرف بالاتر برق، سرانه مصرف کل انرژی (برق و گاز) حدود ۸/۱۶ گیگاژول برآورد می‌شود که همچنان کمتر از ایران است. بنابراین ما نسبت به امارات دو برابر و نسبت به مصر هفت برابر انرژی مصرف می‌کنیم. برای تحلیل درست، باید همه حامل‌های انرژی را در نظر گرفت.

سرانه مصرف نهایی انرژی در ایران حدود ۵/۲ تن معادل نفت خام به ازای هر نفر است، رقمی که نزدیک به ژاپن و بالاتر از میانگین جهانی (۲/۱ تن معادل نفت خام) قرار دارد. در بخش خانگی نیز مصرف انرژی سهم قابل توجهی دارد و حدود یک‌سوم مصرف کل کشور را شامل می‌شود. سرانه مصرف انرژی در بخش خانگی در ایران حدود ۸ تن معادل نفت خام است که نسبت به میانگین جهانی که ۰/۲۷ است، بالاتر است.

■ **انرژی گران در ساختن‌ها ارزان‌ها در مصرف**

حدود ۴۸ درصد مصرف گاز و ۴۰ درصد مصرف برق کشور به بخش ساختمان اختصاص دارد. در بسیاری از کشورها، ساختمان‌هایی با مصرف انرژی بسیار پایین با نزدیک به صفر ساخته می‌شود. استفاده از عایق مناسب، پنجره‌های چندجداره و تجهیزات کارآمد سرمایشی، گرمایشی و روشنایی نقش مهمی در کاهش مصرف انرژی دارد. در حال حاضر، متوسط مصرف انرژی ساختمان‌ها در ایران حدود ۴۳ کیلووات ساعت به ازای هر مترمربع در سال (بر اساس انرژی اولیه) است، در حالی که طبق میحت ۱۹ بر اساس انرژی اولیه، این عدد ۲۹۰ کیلووات ساعت و بر اساس انرژی ثانویه (فراقت از کنتورها) می‌تواند به کمتر از ۱۷۵ کیلووات ساعت کاهش یابد که صرفه جویی ۵۰ درصدی را نشان می‌دهد.

بنابراین کاهش قابل توجه مصرف انرژی در این بخش، دست‌یافتنی و ضروری است. جالب اینکه در کشور‌های توسعه یافته به واسطه اشباع در بخش تولید برنامه‌هایی برای ساخت ساختمان‌هایی با انرژی نزدیک به صفر در دستور کار قرار دارد که جدا از رعایت استانداردهای روهی استفاده از انرژی‌های نو تأکید دارد.

کارشناسان تأکید دارند با توجه به هزینه‌های بالای تولید انرژی، مدیریت مصرف و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، از مهم‌ترین راهکارهای پیش‌رو به شمار می‌رود.

■ **مصرف بالا و قیمت‌گذاری نامناسب مسئله اصلی در حوزه انرژی**

مسئله اصلی در حوزه انرژی، مصرف و دومین محور نیز نقش قیمت‌ها در ناترازی انرژی است. هر چند اقداماتی در حوزه‌هایی مانند استانداردسازی یا توسعه حمل‌ونقل عمومی انجام گرفته، اما به دلیل فقدان تدبیر مؤثر در حوزه قیمت، این سیاست‌ها نیز به نتیجه مطلوب نرسیده‌اند. به واسطه عدم تدبیر مناسب و نگاه سیاسی به قیمت‌ها، انرژی از یک کالای اقتصادی به کالای سیاسی تبدیل شده و فاصله معناداری میان قیمت‌های واقعی و تعرفه‌های موجود ایجاد شده است؛ فاصله‌ای که با اصلاحات محدود قابل جبران نیست.

مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد کشور در شرایط فعلی به‌ویژه در بخش خانگی ظرفیت تحمل این سطح از ناپه‌یگی قیمتی را ندارد. همین مسئله سبب شده است در مقاطع مختلف به رغم پذیرش ضرورت اصلاح، به دلیل عمق شکاف قیمتی، اصلاحات نیمه‌تمام راه شده و سیاست‌گذاران به عقب بازگردند.

■ **اصلاح رفتار مصرف انرژی نیازمند فرهنگ‌سازی**

رئیس‌جمهور در جلسه بررسی طرح‌های دانشگاهی در حوزه هدفمندسازی یارانه انرژی با اشاره به سیاست محوری دولت در بهره‌گیری از ظرفیت دانشگاه‌ها برای حل علمی مسائل کشور و حرکت به‌سوی مأموریت‌محور شدن دانشگاه‌ها گفت: ریشه بسیاری از مشکلات و ناترازی‌های امروز کشور، به‌ویژه در حوزه انرژی، در تصمیم‌گیری‌هایی نهفته است که بدون پشتوانه مستندات علمی و کارشناسی اتخاذ نشده‌اند.

وی با بیان اینکه در بسیاری از کشورهای جهان، حل مسائل کلان ملی در قالب پروژه‌های دانشگاهی دنبال می‌شود، افزود: این رویکرد علاوه بر حل علمی مسائل، زمینه آموزش عملی دانشجویان، آرا‌تقایی توانمندی آنها، ایجاد درآمد و ثروت برای دانشگاه‌ها و نیز ایفای نقش مؤثر دانشگاه در فرهنگ‌سازی عمومی را فراهم می‌کند. رئیس‌جمهور با اشاره به سیاست دولت در تقویت تولید و اصلاح الگوی مصرف انرژی گفت: در تلاش هستیم با رویکردی تدریجی، مصرف



گاز در بخش خانگی را کاهش دهیم و به سمت استفاده بیشتر از برق حرکت کنیم؛ برقی که بخش قابل توجهی از آن می‌تواند از طریق انرژی‌های تجدیدپذیر و پاک تأمین شود. این رویکرد نقش مهمی در کاهش آلودگی هوا و حل بخشی از معضلات زیست‌محیطی کشور خواهد داشت.

رئیس‌جمهور همچنین تأکید کرد: منابع حاصل از متناسب‌سازی قیمت‌ها و صرفه‌جویی در مصرف انرژی، باید به‌طور هدفمند در حوزه‌های معیشت مردم، مسکن و سلامت هزینه شود تا آثار اصلاحات به‌صورت ملموس در زندگی شهروندان نمایان شود.

■ **دیفنگ‌سازی تدریجی مردم، مسیر عبور از بحران ناترازی انرژی**

نتایج مطالعات چندساله در حوزه انرژی نشان می‌دهد که مدیریت مصرف و دیفنگ‌سازی مردم محور اصلی اصلاح ناترازی انرژی و بازنگری در سیاست‌های این حوزه است.

اسماعیل سقاب اصفهانی، رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی در نشست هم‌اندیشی جمعی از استادان و صاحب‌نظران حوزه انرژی در این باره با اشاره به تجارب جهانی در اصلاح قیمت انرژی

گفت: بررسی‌ها نشان می‌دهد در دنیا دو رویکرد اصلی ذیل پارادایم

«دیفنگ‌سازی» به کار گرفته شده است؛ دیفنگ‌سازی غیرمستقیم و دیفنگ‌سازی مستقیم. در شرایط اجتماعی کنونی کشور، مدل دیفنگ‌سازی غیرمستقیم که مبتنی بر هزینه‌کرد منافع اصلاح قیمت‌ها در حوزه‌هایی مانند حمل‌ونقل، آموزش و سلامت است، از پذیرش اجتماعی کافی برخوردار نیست.

وی افزود: دیفنگ‌سازی مستقیم نیز که در ایران یک‌بار به‌صورت پرداخت نقدی تجربه شد، اگرچه در کوتاه‌مدت آثار متفاوتی داشت، اما در بلندمدت به دلیل تورم‌پذیری، از منظر اجتماعی با شکست مواجه شد. در برخی کشورها، مدل‌های محدودتری از دیفنگ‌سازی مستقیم با ارائه کالاهای مصون از تورم مورد استفاده قرار گرفته تا اعتماد عمومی تقویت شود.

سقاب اصفهانی با اشاره به منطق تدریجی این مدل‌ها تصریح کرد: در اغلب تجارب موفق، در سال‌های ابتدایی سهم عمده منافع اصلاحات به مردم اختصاص داده شده و به‌تدریج و در یک بازه ۱۰ تا ۲۰ ساله، سهم حاکمیت افزایش یافته است تا جامعه بتواند از دوره سخت گذار عبور کند.

وی در ادامه به الگوهای نوین دیفنگ‌سازی اشاره کرد و گفت: در برخی کشورها، مردم از طریق صرفه‌جویی یا مشارکت در تولید انرژی

اقتصادی، اعم از تولیدکننده و واردکننده، با یک نرخ واقعی و واحد روبه‌رو می‌شوند.» وی افزود: «این امر شفافیت را به بازار برمی‌گرداند و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را برای فعالان اقتصادی فراهم می‌کند. علاوه بر این با حذف رانت از ابتدای زنجیره، یارانه ارزی کالاهای اساسی به صورت هدفمند و مستقیم در انتهای زنجیره به مردم در قالب کالا برگ الکترونیک پرداخت می‌شود. این تضمین می‌کند افزایش قیمت‌های ناشی از حذف ارز ترجیحی، قدرت خرید خانوارها را تضعیف نخواهد کرد.»

کارشناس حوزه پولی و بانکی با اشاره به وقوع پیش‌بینی‌ناپذیری اقتصاد با حذف ارز چندنرخی گفت: «پیش‌بینی‌پذیری، شاه‌کلید فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری پایدار در هر کشوری است. وقتی فضای اقتصادی کشور دارای ثبات و شفافیت باشد، تولید کنندگان می‌توانند برای آینده برنامه‌ریزی کنند، سرمایه‌گذاران با اطمینان خاطر وارد میدان می‌شوند و مردم می‌توانند مدیریت در سستی بر معیشت خود داشته باشند. یکی از عوامل اصلی ایجاد بی‌ثباتی و نااطمینانی در اقتصاد کشور، سوء وجود نظام ارز چندنرخی بوده است. این نظام ارزی غلط و ناکارآمد که با هدف کنترل قیمت‌ها ایجاد شده بود، نه تنها به هدف خود نرسید، بلکه موجب ایجاد پیچیدگی‌های مبتنی بر آربیتراژ و رانت شد. اکنون، دولت تصمیم به اقدام جدی در زمینه حذف ارز ترجیحی و چندنرخی کرده که منجر به پیش‌بینی‌پذیر کردن فضای اقتصادی کشور و افزایش رقابت‌پذیری تولید به نسبت واردات خواهد شد.»

وی در پایان گفت: «مهم‌ترین دستاورد حذف ارز چندنرخی، احیای رقابت‌پذیری در کسب‌وکارهای کشور است. وقتی تولیدکننده داخلی از تبعیض ناشی از یارانه‌ای برای واردات رها شود، میدان برای رقابت بر اساس کیفیت و بهره‌وری باز می‌شود. این امر در نهایت به نتایج مثبت در اقتصاد منجر شده و زمینه‌ساز رشد تولید خواهد بود. با اعطای یارانه ارزی جدید در قالب کالا برگ به مردم، نه تنها فشار معیشتی جبران می‌شود، بلکه اقتصاد کشور از یک بستر فسادزا و ناپایدار به مسیری شفاف، عادلانه و پیش‌بینی‌پذیر تغییر مسیر می‌دهد.»

■ **احیای رقابت‌پذیری در کسب‌وکارهای کشور**

حمید مهدویان پور، کارشناس حوزه پولی و بانکی نیز در گفت‌وگو با «جوان» در رابطه با اهمیت اقدام دولت در تقویت رقابت‌پذیری تولید با تک نرخی کردن ارز گفت: «دولت برای پایان دادن به پیش‌بینی‌ناپذیری و آشفتگی در بازار ارز کشور، راهکار شجاعانه حذف ارز چندنرخی و ایجاد نظام ارزی تک‌نرخ را در دستور کار قرار داده است. در این طرح جدید، بازار غیررسمی به رسمیت شناخته شده و دولت به جای مقابله با واقعیت‌های بازار، سعی در دخالت مؤثر و هدفمند دارد. با حذف نرخ‌های دستوری و تثبیت‌شده، زمینه برای آربیتراژ و رانت خواری از بین می‌رود. همه بازیگران

به‌ویژه انرژی‌های تجدیدپذیر، به ذینفعان واقعی اصلاح قیمت تبدیل شده‌اند. در این رویکرد، مردم نه تنها مصرف کننده، بلکه تولید کننده یا فرآورنده انرژی هستند و از افزایش کارآمدی نظام قیمت‌گذاری منتفع می‌شوند.

اطهارات رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی درباره دیفنگ‌سازی مردم از محل صرفه‌جویی انرژی در شرایطی است که در ماده ۴۶ برنامه هفتم توسعه نیز بر دیفنگ‌سازی مردم از محل صرفه‌جویی انرژی تأکید شده و هرچه مشوق‌های صرفه‌جویی قوی‌تر طراحی شود، انگیزه مشارکت عمومی افزایش خواهد یافت. این چارچوب قانونی یکی از تکالیف جاری دولت است.

■ **تأکید برنامه هفتم بر مردمی‌سازی انرژی**

احمد مرادی، عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه اجرای قوانین بالادستی و احکام برنامه هفتم در بحث ناترازی انرژی راهگشاست، گفت: علاوه بر آنکه در احکام برنامه هفتم مجلس به موضوع مردمی‌سازی انرژی و ایجاد بازار انرژی تأکید کرده است در ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید نیز دولت را به همکاری با صنایع کوچک و متوسط برای توسعه نیروگاه‌های خودتأمین، خورشیدی و بادی در بخش‌های مختلف مکلف کرده است.

وی با اشاره به تکلیف قانونی ۴۰ درصدی دستگاه‌ها برای تأمین برق مصرفی خود از طریق انرژی‌های تجدیدپذیر گفت: شورای عالی انرژی از گذشته دستگاه‌های اجرایی را مکلف به تأمین ۲۰ درصد برق خود از طریق انرژی‌های تجدیدپذیر کرده بود و در مصوبه جدید این میزان را به ۴۰ درصد افزایش داده که این موضوع بسیار حائز اهمیت است.

عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی افزود: مدل‌های مختلفی برای توسعه برق تجدیدپذیر از جمله احداث سامانه‌های خورشیدی برای اقشار کم‌برخوردار و مددجویان کم‌تاه امداد و بهزیستی، توسعه سامانه‌های پشت‌بامی، تأمین برق جاهای کشاورزی از انرژی‌های پاک، صادرات برق تجدیدپذیر، احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر از سوی صنایع همچنین تأمین برق ساختمان‌های دولتی از تجدیدپذیرها طراحی و ایجاد شده است.

مرادی با تأکید بر اینکه انتخاب دیگری جز توسعه نیروگاه‌های خورشیدی و بادی در بخش انرژی کشور نداریم، اما باید مسیر را درست برویم، خاطر نشان کرد: دولت بیشتر به جای سیاستگذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر، نقش مجری و توسعه دهنده را ایفا می‌کند، در حالی که وزارت نیرو و ساتبا باید به سیاستگذاری بپردازد و کار اجرا و تصدی‌گری را به بخش خصوصی محول و فضا را برای شرکت‌های خصوصی باز کند. وقتی دولت درگیر اجرا می‌شود، تمرکز بر سیاستگذاری باز می‌ماند.